



رنگین کمان جمعه

سال‌ها پیش با شنیدن نامت به یاد تعطیلی مدرسه و بازی با دوستان هم‌سن و سالم می‌افتادم و فکر می‌کردم جمعه‌ها همه‌جا تعطیل می‌شود. کم‌کم با سخنان پدر، مادر، معلم و خطیب جمعه، بیشتر تو را شناختم. هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم که در اولین نماز جمعه‌ای که در مسجد جامع به‌جا آوردم، از خطیب شنیدم: رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) می‌فرماید: «خداوند این روز را عید قرار داده است. پس در این روز غسل کنید». خطیب ادامه داد: «پیامبر به خوشبویی و مسواک زدن در این روز بیشتر تشویق کرده و فرمان داده است». جمعه‌ی عزیز! اکنون دوست دارم هفت‌نام برای رنگ‌هایت انتخاب کنم:

۱. روز شادی با خانواده

از شب‌به تا پنجشنبه، اعضای خانواده مشغول کارهای خود هستند و فرصت زیادی ندارند تا مدّتی طولانی در کنار هم باشند، اما وقتی تو می‌آیی، همگی ساعت‌ها کنار هم جمع می‌شویم، با هم حرف می‌زنیم و شوخی می‌کنیم. پیامبر خدا (صلی الله علیه و علی آله) نیز تو را روز عید نامیده است و عید بهترین بهانه برای شادی است.

۲. روز نظافت و پاکیزگی

دین اسلام، دین پاکیزگی و نظافت است. پیامبر پاکیزگی‌ها هم به شستن بدن و غسل کردن در روز جمعه امر کرده است، و من با جان و دل دستور پیشوا و رهبر عزیزم را انجام می‌دهم و غسل می‌کنم. ضمناً پیش از رفتن به نماز جمعه به دقت و خوبی مسواک می‌زنم.



۳. روز زیاد صلوات فرستادن

پیامبر محبوب خدا، در کلام دلنشین خود، تو را یکی از بهترین روزها نامیده و فرموده است:

در این روز بر من بسیار صلوات بفرستید.

و من می دانم صلوات و درود فرستادن بر پیامبر، گل زیبای وجود او را در دلم زیباتر می کند. پس با جان و دل در این روز بارها می گویم:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ عَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ

۴. روز خواندن سوره ی کهف

دو سالی است که به خوبی می توانم قرآن بخوانم و چندین سوره و آیه را حفظ کرده ام و پدر و مادرم را دیده ام که روز جمعه سوره ی کهف را می خوانند. مادرم می گوید: «خواندن سوره ی کهف در روز جمعه سنت است؛ چون پیامبر، مسلمانان را به خواندن آن تشویق کرده است».

خواندن سوره ی کهف، یاد مؤمنانی را در دلم تازه می کند که در شرایطی سخت و در میان حکومتی ظالم و مردمی دور از انصاف، دین خود را نگه داشته و به آن عمل کردند!

۱. این مؤمنان به نام «اصحاب کهف» مشهور هستند.

۵. روز پوشیدن بهترین لباس

با آمدن تو، به خاطر عید بودندت و اینکه می‌خواهم به نماز باشکوه جمعه بروم، بهترین لباسم را آماده می‌کنم و می‌پوشم. پدرم می‌گوید: «لباس سفید، بهترین لباس است».

۶. روز نماز باشکوه جمعه

خدای مهربان در یکی از سوره‌های قرآن که به نام تو نیز هست، مؤمنان را به نماز جمعه دعوت می‌کند. چه اجتماع باشکوه‌ای! خطیب جمعه در دو خطبه‌ی نماز، درباره‌ی دین و اخلاق سخن می‌گوید و نمازگزاران را از اوضاع کشور و جهان اسلام باخبر می‌کند. سپس نماز جمعه برپا می‌شود و مردم در صف‌های به هم پیوسته، شانه به شانه‌ی هم عبادت می‌کنند و در پایان، همه دست به دعا برمی‌دارند و برای مردم و کشور عزیزمان و مسلمانان تمام جهان دعا می‌کنند.

۷. روز دعا

به جز دعاهایی که خطیب جمعه برای همه‌ی مردم می‌خواند، در ساعت‌های مختلف جمعه نیز دعا می‌کنم. معلّم مهربانم می‌گوید: «پیامبر عزیزمان ما را تشویق کرده که در تمامی لحظات روز جمعه دعا کنیم. چون ساعتی در روز جمعه وجود دارد که دعا در آن پذیرفته و قبول می‌شود».

کامل کنید



با کمک معلّم خود، شکل خواندن نماز جمعه را کامل کنید:

نماز جمعه رکعت است. به کسی که نماز جمعه را برای مردم امامت می‌کند می‌گویند. خطیب بعد از وارد شدن وقت ظهر، یعنی ظهر، دو سخنرانی می‌کند. به سخنرانی او می‌گویند. مردم با دقّت به سخنان او گوش می‌دهند و با همدیگر نمی‌زنند. بعد از دو سخنرانی، خطیب و مردم نمازشان را شروع می‌کنند. نماز جمعه مانند یک نماز دورکعتی انجام می‌شود. یعنی بعد از نیت، سوره‌ی حمد و سوره‌ای کامل یا چند آیه و یا حدّ اقل آیه از قرآن می‌خواند. بعد از آن به رکوع می‌رویم. بعد از رکوع دوباره بلند می‌شویم. به این کار می‌گویند. سپس دو سجده می‌کنیم و این حرکات را با آرامی انجام می‌دهیم. رکعت دوم را هم مانند رکعت اوّل می‌خوانیم. در پایان رکعت دوم می‌نشینیم و می‌خوانیم و بعد از آن سلام می‌دهیم.

بررسی کنید



با توجّه به آنچه خواندید، چه تفاوتی میان نماز جمعه و یک نماز دو رکعتی که آن را تنها می‌خوانیم، وجود دارد؟

در یک نماز دو رکعتی که به تنهایی (فردی) می‌خوانیم

در نماز جمعه

خطبه و سخنرانی ندارد

.....

به صورت جماعت برگزار می‌شود و به تنهایی خوانده نمی‌شود.

.....



این آیه را بخوانید.

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِذَا نَادَيْتُمُ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ
فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
هنگام دعوت شدن به نماز جمعه و برگزاری آن،
به سوی یاد خدا و نماز جمعه بشتابید.
جمعه، ۹

به نظر شما، چرا به شرکت در نماز جمعه، این قدر سفارش شده است؟

..... ☐

..... ☐

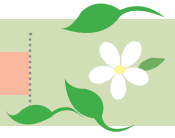
..... ☐

..... ☐



مراحل غسل را به ترتیب شماره گذاری کنید.





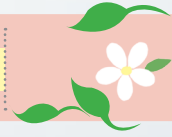
با توجه به کارهای خوبی که باید انجام دهیم، یک برنامه‌ی مناسب برای خودتان بنویسید.

ردیف	زمان	نوع فعالیت
۱		
۲		
۳		
۴		
۵		



روزهای جمعه، دعا می‌کنم که ...





عطر اذان

دوباره عطر اذان بچید

دوباره وقت نماز آمد

دوباره از لب کنجشان

صدای راز و نیاز آمد

بین که مسجد دلها مان

صفای نور و سحر دارد

خطیب آینه ها بر خیز

سخن بگو که اثر دارد

دوباره خطبه بخوان آقا

که میهمان خدا باشیم

دوباره لب به سخن وا کن

که چون پرنده رها باشیم

نیم و غنچه سراپا گوش

دوباره وقت سخنرانی

دوباره دشمن دین ترسید

از این جماعت روحانی

حادی فردوسی

با خانواده



نماز جمعه‌ی روستا یا شهر شما در چه مکانی برگزار می‌شود؟

.....

نام خطیب جمعه‌ی شما چیست؟

.....

اگر خاطره‌ای از شرکت در نماز جمعه دارید برای دوستانتان در کلاس تعریف

کنید.



سفر شجاع

گروهی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) در مکه دور هم جمع شده بودند و در مورد افکار نادرست مشرکان با هم صحبت می کردند. یک نفر از آنها گفت: به خدا قسم قبیله ی قریش تا به حال، قرآن را به صورت علنی و آشکارا نشنیده اند. راستی چه کسی حاضر است که قرآن را به گوش آنها برساند؟ در این میان جوانی لاغر و کوتاه قد گفت: من. — ما کسی را می خواهیم که اقوام زیادی داشته باشد، تا آنها بتوانند از او محافظت کنند.

— بگذارید که من پیام قرآن را به آنها برسانم. او نگهدار من است. و عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) به میان قریش رفت و با صدای بلند شروع به خواندن قرآن کرد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ»

و آنها را به فکر کردن در آیات قرآن دعوت کرد.

آنها با تعجب به او نگاه می کردند.

— چه می گوید؟

— آنچه را که محمد آورده است، می خواند؟!

ناگهان بر او حمله کردند و او را زیر کتک گرفتند. ابن مسعود با ایمان قوی و صبری که داشت، کار خود را ادامه داد.

صورت مرد دلیر خونین شد. اما او با شجاعت، پیام خدا را به آنها می رساند.

ابن مسعود نزد دوستانش برگشت.

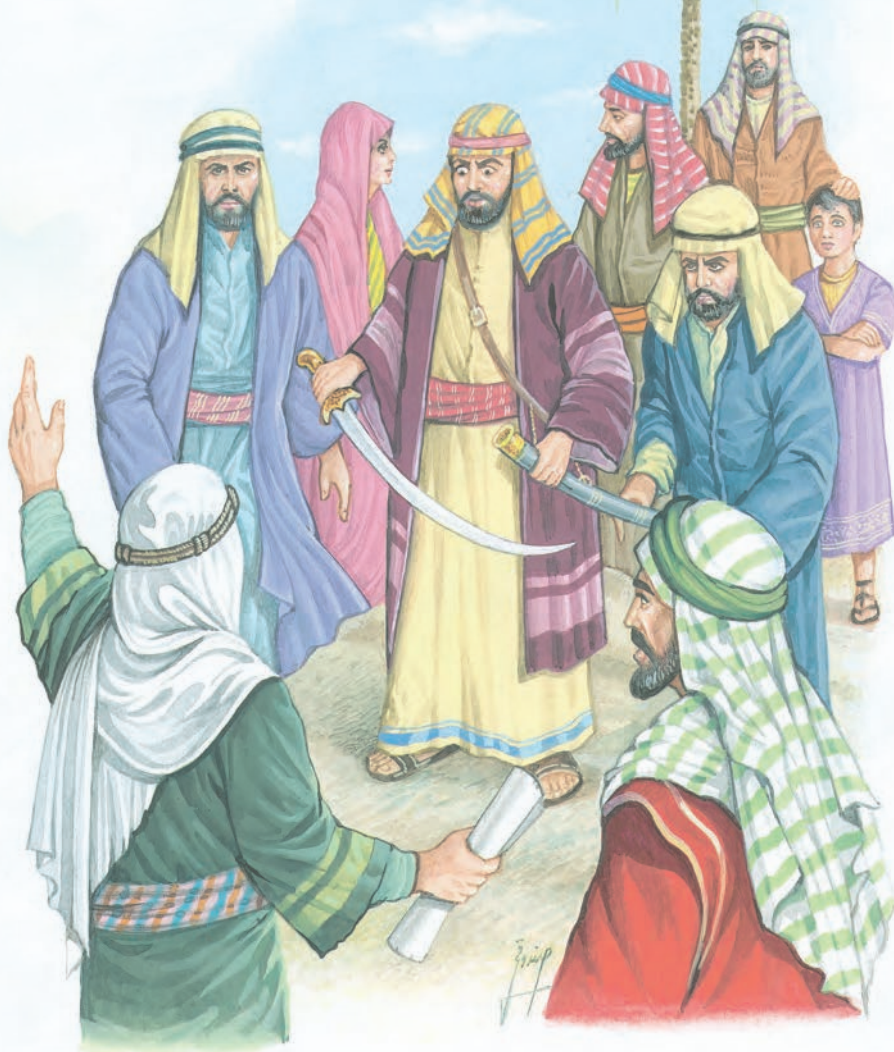
— آه ای ابن مسعود! ما از همین حال و وضعیت که بر تو پیش آمده است، نگران

بودیم.

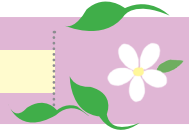
— به راستی من این دشمنان دین را بیشتر از گذشته، کم و ناتوان می‌دانم! اگر
بخواهید باز هم فردا سخن خدا را به گوش آنها می‌رسانم.

— تو کار خودت را کردی، تو آنچه را که دوست نداشتند، به آنها رساندی.
و همگی او را با کلمات محبت آمیز، تشویق کردند
و زخم‌هایش را بستند.

بعدها عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) یکی از
داناترین یاران رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله) شد.



برایم بگو



به نظر شما چه چیزی در این داستان، انسان را بیشتر به فکر وادار می‌کند؟ چرا؟

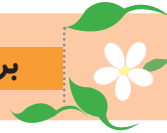
..... ☐

..... ☐

..... ☐

..... ☐

بررسی کنید



با توجه به متن درس، چند نمونه از ویژگی‌های ابن مسعود را نام ببرید.



دوست داری کدام یک از این ویژگی‌ها را تو نیز داشته باشی؟



روزنامه‌ها نوشتند: پیرمردی فلسطینی امروز در مقابل اشغال‌گران اسرائیلی به تنهایی ایستاد و به رفتار آنان در قطع کردن درختان زیتون فلسطینی‌ها اعتراض کرد.

به نظر شما این کار او چه ارتباطی با موضوع درس دارد؟

کامل کنید



ای پیامبر توحید و رحمت! هرگاه داستان زندگی
 یکی از یارانت را می‌شنوم
 ؛
 آنگاه اشک در چشمانم جمع می‌شود و با خود
 می‌گویم: ای کاش من نیز
 ؛
 تا می‌توانستم به دین خدمت کنم. اما اکنون که
 می‌بینم در زمان شما نیستم می‌دانم که با
 ؛
 می‌توانم علاقه و محبت خود را به شما نشان دهم.

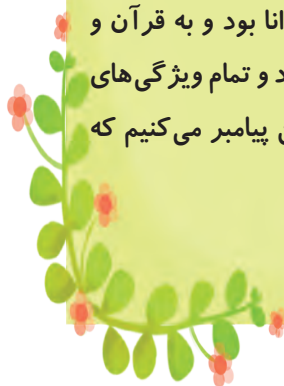


از این نوشته چه برداشتی دارید؟ با دوستانتان در گروه گفت و گو کنید.



در کتاب‌های تاریخی آمده است که هر یک از یاران رسول خدا، با هر توان و امکاناتی که داشتند، به دین خدا خدمت می‌کردند. یکی از افرادی که با مال و ثروتش به رسول خدا و دین او خدمت کرد، ابوبکر صدیق بود و سفیر شجاع پیامبر (ابن مسعود) در ملاقاتی که با پیامبر و ابوبکر داشت ایمان آورد. ابن مسعود در این ملاقات شیفته این دو نفر شد و بعد از دیدن معجزه‌ای از رسول خدا ایمان آورد.

دیگر صحابه نیز بارها پیامبر و صدیق را با هم دیده بودند. دوستی دیرینه این دو نفر با هم، ایمان و اخلاق زیبای ابوبکر، فروتنی او، صبر و پایداری‌اش و هم‌سفر بودن او با پیامبر در سفر سخت و معنوی هجرت، از جمله دلایلی بود که صحابه، ابوبکر صدیق (رضی‌الله‌عنه) را به عنوان جانشین پیامبر انتخاب کنند. آنها می‌گفتند پیامبر در ایام بیماری در روزهای آخر عمرش، ابوبکر را امام صحابه در نماز کرد، پیامبر وظیفه سرپرستی حجاج را در حج به ابوبکر صدیق (رضی‌الله‌عنه) سپرد. او فردی دانا بود و به قرآن و سنت علم زیادی داشت، اولین مردی بود که اسلام آورد و تمام ویژگی‌های یک رهبر خوب را داشت. بنابراین ما کسی را جانشین پیامبر می‌کنیم که خود پیامبر او را پیشوای نماز و حج کرده است.





این داستان از زبان ابن مسعود (رضی الله عنه) را بخوانید.

در یکی از جنگ‌ها^۱ شبی از بسترم برخاستم و سری به اطراف زدم. شعله‌ای از آتش را در گوشه‌ای از لشکر دیدم، آن را دنبال کردم. ناگهان رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) و ابوبکر و عمر (رضی الله عنهما) را دیدم. دیدم که در حال دفن کردن یکی از یاران پیامبرند. پیامبر پس از دفن کردن او فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ عَنْهُ رَاضِيًا فَارْضَ عَنْهُ...»؛ خدایا من از او راضی گشتم، تو هم از او راضی باش. ابن مسعود (رضی الله عنه) می‌گوید: «ای کاش من فرد دفن شده در آن قبر بودم».

به نظر شما این سخن ابن مسعود، نشان‌دهنده‌ی چیست؟ کدام ویژگی در او، وی را وادار به گفتن این سخن کرده است؟ در مورد آن ویژگی با دوستانتان گفت‌وگو کنید.

۱. منظور غزوہ‌ی تبوک است.



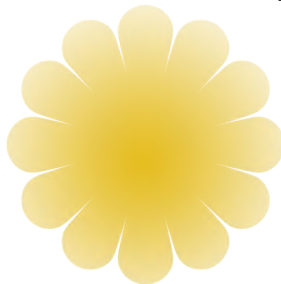
کدام یک از خانه‌های زیر با یکدیگر مرتبط است. آنها را یک‌رنگ کن.

نام پدر	محل‌های اقامتش به ترتیب	مسعود	ششمین
ام‌عبد	نام مادرش	مکه، مدینه، کوفه	ابوعبدالرحمن
۳۲ هجری	سال وفات	چندمین نفر از اصحاب پیامبر که ایمان آورد	کنیه‌اش ^۱



با خانواده

چهار نفر از یاران مشهور پیامبر عبدالله نام داشتند. نام آنها را پیدا کنید و بگویید که به جمع آنها چه می‌گویند.



۱. در میان عرب رسم است که برای احترام، فرد را با نام فرزندش صدا می‌زنند، این نام را کنیه می‌گویند. مثلاً به پدر ایوب، ابویوب می‌گویند و مادرش را ام‌ایوب می‌نامند.



پیشوای دانش و بردباری

در کنار حرم مکی^۱ نشسته بود. چهره‌ای زیبا و جذاب داشت و با زبانی شیرین صحبت می‌کرد.

همه با دقت به سخنانش گوش می‌دادند و از علم و دانش او در تعجب بودند. با احترام فراوان، سؤالات مردم را گوش می‌داد و با حوصله‌ی بیشتری، آنها را جواب می‌داد.

ناگهان مردی وارد جمع شد و پس از گوش دادن به سخنانش، با تندخویی و عصبانیت، گفتار استاد ایمان و خداپرستی را قطع کرد و با بی‌ادبی به او اعتراض و بی‌حرمتی کرد.

ابن عباس (رضی الله عنه) سخنانش را تا آخر شنید، سپس با بزرگی و خویشتن‌داری گفت: «به من ناسزا می‌گویی؟ در حالی که من سه ویژگی مهم دارم!» مردم رویشان را به سوی ابن عباس برگرداندند. آنها انتظار داشتند او از علم و دانش فراوانش تعریف کند و بگوید که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و خویشاوند است و یا از سابقه‌ی خود در اسلام، تعریف کند.

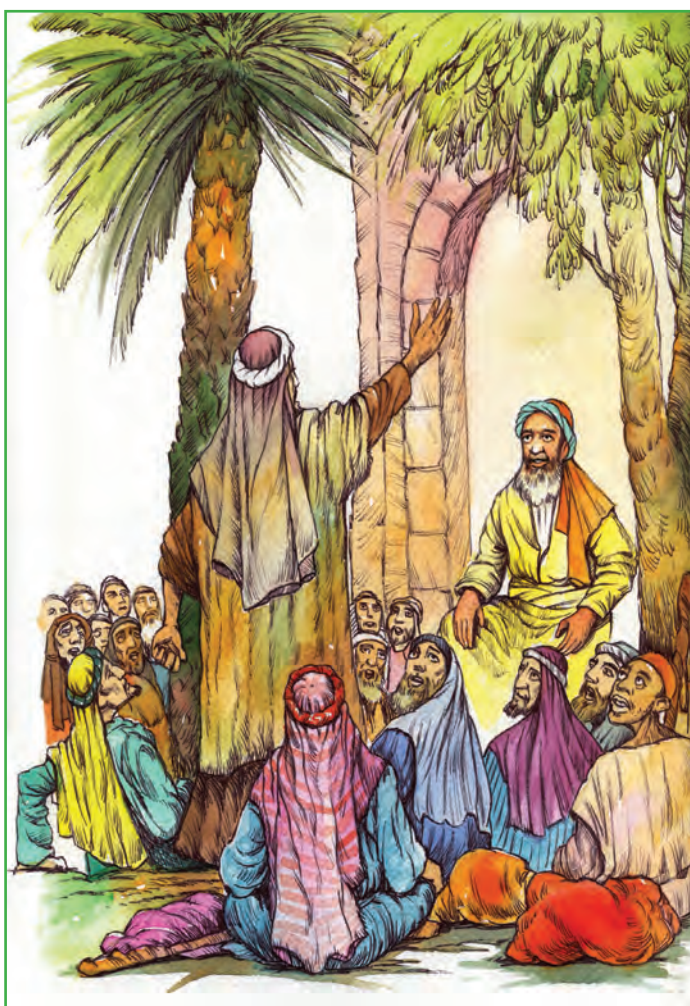
آنها با بی‌تابی از او پرسیدند: «آن سه ویژگی کدام است؟» ابن عباس گفت: «به خدا قسم هرگاه شنیده‌ام در جایی از زمین باران می‌بارد، خدا را شکر کرده‌ام، گرچه در آن سرزمین و منطقه چیزی نداشته‌ام که باران به من

۱. منطقه‌ای وسیع از اطراف کعبه را حرم مکی می‌گویند؛ که در اطراف کعبه، چندین هزار متر است.

ربطی داشته باشد؛ و هرگاه شنیده‌ام که یک قاضی یا حاکم عادل است و به عدالت عمل می‌کند، برایش دعای خیر کرده‌ام، بدون اینکه عدالت او مربوط به کارهای من باشد؛ و هرگاه پیام آیه‌ای از قرآن را به خوبی درک کرده‌ام، آرزویم این بوده که ای کاش همه مثل من آن آیه را درک می‌کردند و می‌فهمیدند.

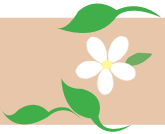
با شنیدن این سخنان، مردم ابن عباس (رضی الله عنه) را آفرین گفتند و آن مرد تندخو هم فهمید که با انسانی خوش‌قلب و پاک روبه‌رو است و از کار خود خجالت کشید.

در این هنگام، پیرمردی نزد آن مرد رفت و به او گفت: «مگر نمی‌دانی که او یکی از داناترین یاران رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) است؟» پیامبر در حق او دعا کرده است که خدایا! دانش او را در دین عمیق کن و فهم قرآن را به او عطا کن.





یکی دیگر از افرادی که مانند عبدالله ابن عباس در نوجوانی افتخار صحابه شدن را یافت، عبدالله ابن زبیر (رضی الله عنهما) بود. آنها چون از نوجوانی خدمت پیامبر رسیده‌اند، بهره علمی و اخلاقی زیادی از دوستی با پیامبر بردند. افراد خانواده عبدالله بزرگ و سرشناس بودند! او در جوانی به مقام فرماندهی گروه زیادی از صحابه رسید. جوانی قوی و زیبا بود و در کنار این ویژگی‌ها، نمازی طولانی و باصفا می‌خواند. در روزهای گرم سال روزه می‌گرفت و با اندیشه در آیه‌ها، قرآن می‌خواند. به پدر و مادرش احترام می‌گذاشت و با تمام مردم خوش اخلاق بود.



به نظر شما زیباترین قسمت داستان کجا بود؟ چرا؟

.....

.....

.....

۱. زبیر (رضی الله عنه)، پدر عبدالله، دوست صمیمی پیامبر بود. مادرش اسماء، دختر ابوبکر صدیق بود. بنابراین ابوبکر صدیق پدر بزرگ و ام المؤمنین عائشه (رضی الله عنها) خاله‌اش بود.



با توجه به متن درس، چند نمونه از ویژگی‌های پسر عموی پیامبر، عبدالله ابن عباس را بنویسید.

دوست داری کدام یک از این ویژگی‌ها را داشته باشی؟



به نظر شما در کنار علم و دانش زیاد عبدالله ابن عباس، کدام ویژگی او، علم گسترده‌اش را زیباتر کرده بود؟

کامل کنید

جواب هر کدام از دو سؤال زیر، سه حرف است. هر دو مورد هم در دو حرف مشترک اند. جای خالی را با توجه به این راهنمایی پر کنید.

دانش به زبان قرآن :

ل

شکیبا بودن در مقابل نادانان:

ل

گفت و گو کنید

از این نوشته چه برداشتی دارید؟ با دوستانتان در گروه گفت و گو کنید.

از ابن عباس نقل شده است که فرمود: «گاهی برای یاد گرفتن سخنان پیامبر، به در خانه‌ی انصار می‌رفتم و گاهی پیش می‌آمد که فرد انصاری خوابیده بود و ممکن بود هیچ کدام از اعضای خانواده، او را بیدار نکنند. من در آن هوای گرم، پشت در می‌ایستادم و باد سوزان و گرد و غبار مرا آزار می‌داد، اما من آنجا را ترک نمی‌کردم تا بتوانم علم بیاموزم».



این ویژگی‌های ابن عباس را بخوانید و داستان بعدی را خوب مطالعه کنید.
او در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی (رضی الله عنه)، والی (حاکم) بصره بود.
یکی از مردم بصره (به نام مسلم) ویژگی‌های اخلاقی ابن عباس را این گونه تعریف می‌کند: «او سه چیز را به خوبی می‌دانست:

۱. هنگام سخن گفتن، دل‌ها را به خود جذب می‌کرد؛
 ۲. وقتی که مردم صحبت می‌کردند به آنها خوب گوش می‌داد؛
 ۳. هنگام انتخاب دو کار صحیح، آسان‌ترینش را انتخاب می‌کرد.
- مسلم می‌گوید: «ابن عباس از سه چیز دوری می‌کرد:

۱. جرّ و بحث کردن با دیگران؛
۲. دوستی با انسان‌های بد؛
۳. کارهای ناشایستی که نیاز به عذرخواهی دارد».

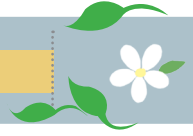


مَدَّتِی است که مادرم از پیشرفت درسی‌ام ناراضی است و سر کلاس هم معلّم خوبم با مهربانی گذشته به من نگاه نمی‌کند.
دوستانم می‌گویند وسط حرف آنها، حرف پیش می‌آورم و به حرفشان توجّهی ندارم.

دیروز قبل از رفتن به نماز جمعه در خانه نشستم، کاغذ و قلمی آوردم تا کارهایم را یادداشت کنم. می‌خواهم بدانم اشتباهم کجاست



با توجّه به سخنان «مسلم بصری» در مورد صحابی بزرگ، ابن عباس (رضی الله عنه)، آنچه را که بر کاغذ نوشته‌ام حدس بزنید و بنویسید.
اگر نمونه‌ای از زندگی دوستانتان، سراغ دارید، آن را در کلاس بازگو کنید.



کدام یک از خانه‌های جدول زیر با یکدیگر مرتبط است؟ آنها را یک‌رنگ کن.

محلّ وفات	خلیفه‌ای که او در زمان خلافتش والی بود	نام پدر	امیرالمؤمنین علی
سنّ او در زمان وفات پیامبر	طائف	عبّاس	۱۳ سال
لقب مشهورش	محلّ تولّد	جَبْرُ الْأَمَّةِ ^۱	شعب ابوطالب

با خانواده



یکی از احادیث مشهوری را که عبدالله ابن عبّاس از رسول الله (صلّی الله علیه و علی آله) نقل کرده است، پیدا کن و ترجمه‌اش را در اینجا بنویس.^۲



۱. داناترین مردمان

۲. خانواده یا معلّمان محترم می‌توانند از کتاب اربعین نووی، برای راهنمایی دانش‌آموزان استفاده کنند. به عنوان نمونه، هر کدام از سفارش‌های چهارگانه‌ی پیامبر در حدیث شماره‌ی ۱۹ از این کتاب، قابل استفاده است.

درس یازدهم

نیروی ایمان



جوانی ۱۷ ساله بود. ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) او را به نور ایمان دعوت کرد. سخنان دلنشین ابوبکر و فضائل دین اسلام موجب شد که وی ایمان بیاورد. در همان روزهای اول ظهور اسلام بود که مادرش متوجه شد پسرش، ایمان آورده است. مادرش که هنوز اسلام نیاورده بود، به او گفت:

— اگر این دین جدید را رها نکنی، دست به غذا و آب نخواهم زد.
سعد با ناباوری گفت:

— یعنی می‌خواهی مرا با غذا نخوردنت از ایمانم بازداری؟
— آری، من می‌خواهم بمیرم و با پسر مسلمانم زندگی نکنم.
یک روز گذشت و مادر سعد چیزی نخورد. روز بعد مادر بر پیمانی که با خود بسته بود همچنان ماند و هیچ چیز نخورد.

اقوام و خویشان از این ماجرا اطلاع یافتند، اما نتوانستند مادر سعد را پشیمان کنند. چند روز از این اعتصاب غذا^۱ گذشت. خویشاوندان، نزد سعد (رضی الله عنه) آمدند و گفتند: مادرت را ببین که چگونه ضعیف شده و در حال مردن است. سعد که ایمان به خدا، دلش را نورانی کرده بود و نمی‌خواست به هیچ قیمتی به تاریکی کفر برگردد، به مادرش گفت:

مادر جان! هرگز با غذا نخوردن، نمی‌توانی مرا از دینم برگردانی.
خداوند مهربان در این راستا می‌فرماید:
«اگر پدر و مادرت تلاش می‌کنند کسی را شریک من سازی، از آنها پیروی مکن»
(سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۸).

سعد در دعاهايش می‌گفت: «خدایا! گرچه مادر عزیز است اما تو از همه برای من عزیزتری» و اشک از چشمانش سرازیر می‌شد.

۱. اعتصاب غذا: غذا نخوردن برای تسلیم کردن کسی.





سعدابن ابی وقّاص، یکی از ده یار پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) است که پیامبر به آنها مژده بهشت داده است.^۱ شکی نیست که این ده نفر نسبت به دیگران از نظر اخلاقی برتر بوده‌اند، به همین جهت مسلمانان به این ده نفر توجّه و محبّت مخصوصی دارند. سعد جوانی نیرومند بود. او همیشه با خرسندی می گفت: «من اوّلین فردی هستم که برای دفاع از اسلام سلاح به دست گرفتم و پیامبر در جنگ احد با لطف و مهربانی زیاد، مرا تشویق می فرمود». سعد بسیار خوش قلب بود و کینه را دوست نداشت و در میان صحابه به این دو صفت مشهور بود.

برایم بگو



هر یک از این کارها در کدام رفتار شخصیت‌های داستان دیده می‌شود؟

پافشاری بر کفر و گمراهی

پافشاری بر ایمان

نتیجه‌ی نهایی هر کدام از این دو رفتار چیست؟

.....

.....

۱. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی که به نام «عشره‌ی مبشّره» مشهور است، به ده نفر از یاران خود مژده بهشت دادند: «ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر، عبدالرحمان، ابوعبیده، سعدابن ابی وقّاص و سعید»

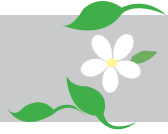


این متن را بخوانید:

روزی معلّم خوبم در نمازخانه‌ی مدرسه، در مورد ایمان برای بچه‌ها صحبت می‌کرد.

او می‌گفت: گران‌بهاترین چیز در دنیا ایمان است؛ زیرا هم انسان را در دنیا خوب و پاک می‌کند و هم در آخرت موجب به دست آوردن بهشت می‌شود. بهشت بهترین جایی است که در هیچ جای دنیا مانند آن دیده نشده است؛ پس انسان باید در هر شرایطی از ایمان دست نکشد. در قرآن از دختری به نام مریم و زنی به نام آسیه سخن آمده که مؤمن بودند و از ایمانشان به خاطر اطرافیان، دست نکشیدند. دختران و زنان در طول تاریخ اسلام ثابت کرده‌اند که هیچ‌گاه سنگر ایمان را خالی نمی‌کنند ...

با توجّه به متن درس چرا ایمان از همه چیز مهم‌تر است؟



در دعاهای رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) آمده:

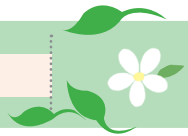
«خدا یا محبت خویش و کسانی که تو را دوست دارند، به من ارزانی دار و علاقه به انجام کارهایی که مرا به دوستی و محبت تو نزدیک می‌کند، در دلم ایجاد کن».



این دعا چه ربطی به داستان درس دارد؟



تدبر کنیم



در آیه الکرسی می‌خوانیم:

«خداوند دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند».

سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۷

با توجه به این آیه ما باید با چه کسانی دوستی کنیم؟



به کمک اعضای خانواده در مورد یکی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله)
تحقیق کنید که با وجود ناسازگاری افراد خانواده و اطرافیان‌شان، چگونه بر ایمان
خود محکم ایستادند؟^۱

۱. خانواده‌ی محترم دانش‌آموزان می‌توانند از میان کتاب‌های تاریخ صحابه، به زندگی افرادی
مثل خَبَّاب بن ارت، مصعب بن عمیر، عکرمه ابن ابوجهل و حنظله ابن ابوعامر، مراجعه کنند.



درخت پرمرايمان

مساجد پر از مردم با ایمانی بود که با ذوق و شوق فراوان نماز می خواندند. مردم با یکدیگر مهربان بودند. همه جا پاک و پاکیزه بود. روزهای جمعه، حال و هوایی مخصوص داشت.

مردم با لباس های مرتب، تمیز و معطر، به محل های نماز جمعه رو می کردند. بازارها، پر خیر و برکت و رنگین بود. کاسب ها با خدا بودند و با انصاف. حاکمان با مردم خوب بودند و عادل. مردم از آنها راضی و آنها هم از مردم راضی بودند. حاکمان با مردم خوب رفتار می کردند.

عمر ابن عبدالعزیز (رحمة الله علیه)، محبوبیت ویژه ای میان همه داشت. مردم می دانستند او از خانواده ای بسیار ثروتمند و خوش گذران است؛ اما به خاطر اسلام، مانند مردم عادی، ساده و پاک زندگی می کند. مردم و حکومت به آن حد در ایمان و اعمال صالح رسیده بودند که مأموران زکات به وی گفتند:

«مسلمانان، پول فراوانی را به ما داده اند. زکات^۱ گندم، جو و محصولات کشاورزی هم زیاد است. با این همه زکات چه کنیم؟»
عمر بن عبدالعزیز گفت: «زندگی فقرا و بینوایان را با آن تأمین و راحت کنید».

۱. یکی از دستورات دین به مسلمانان، زکات نام دارد. زکات عبادتی لازم و واجب است و نام آن همیشه در قرآن، در کنار نماز آمده است.



مسئولان این کار را کردند. فقیران بی‌نیاز شدند و باز مسئولان نزد او برگشتند و گفتند: «پول و اموال زیادی باقی مانده است».

عمر بن عبدالعزیز (رحمة الله علیه) گفت: «به سربازان و ارتش اسلام کمک کنید و زندگی آنها را به خوبی تأمین کنید».

این کار هم انجام شد و دوباره آنها نزد عمر ابن عبدالعزیز برگشتند.

— کاری کنید که جوانان مجرد با این پول‌ها ازدواج کنند ...».

اما باز مقداری از پول زکات باقی مانده بود. مسئولان برگشتند و دوباره همان حرف‌ها را تکرار کردند.

عمر بن عبدالعزیز گفت: «یهودیان و مسیحیان را بی‌نیاز کنید، قرض‌های آنها را پس دهید. باید همه در حکومت اسلامی در رفاه و خوشی باشند».

مسئولان و مأموران باایمان، افراد بدهکار یهودی و مسیحی را کمک کردند تا قرضشان را پس دهند. اما هنوز زکات پر خیر مسلمانان مانده بود. دوباره مأموران جمع‌آوری و تقسیم زکات برگشتند و عمر بن عبدالعزیز، این بار سخن مشهور خود را گفت:

«پروندگان و سایر جانداران هم باید در زیر سایه‌ی دین در آسایش زندگی کنند و باید آنها هم از خیر مسلمانان برخوردار باشند».

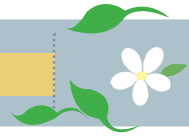


برایم بگو



به نظر شما چرا مردم در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، زکات اموالشان را به خوبی پرداخت می‌کردند؟

بگرد و پیدا کن



با توجه به متن درس، چند ویژگی مردم و حکومت با ایمان را بگویید.



دوست داری کدام یک از این ویژگی‌ها را داشته باشی؟



کامل کنید



اسلام همان‌طور که از ما می‌خواهد نماز بخوانیم، از ما
..... اسلام هم به عبادت اهمیت می‌دهد، هم
..... ؛ مردم و حاکمان با عمل
به دستورات خدای مهربان، هم در دنیا و
هم در آخرت

گفت و گو کنید

این نوشته را بخوانید.

روزی پیامبر محبوب خدا (صلی الله علیه و علی آله) با یارانش صحبت می‌کرد. او گفت: «مسلمان، مثل درخت خرما است».

به نظر شما چه شباهتی میان مسلمان و درخت خرما وجود دارد؟

تدبر کنیم

رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) فرمود: لبخند و خوشرویی‌ات در برابر برادر و خواهر دینی‌ات صدقه است. امر به معروف (تشویق دیگران به خوبی) و نهی از منکر (بازداشتن دیگران از بدی) هم صدقه است. نشان دادن راه به کسی که راه را گم کرده، صدقه است، برداشتن سنگ یا خار یا استخوان از سر راه مردم، صدقه است.^۱

۱. کتاب صحیح بخاری، به روایت ابوذر غفاری (رضی الله عنه)، صحابی بزرگ پیامبر.

مَدّتی است پدرم در خانه، مرا به یادگرفتن شنا و ورزش تشویق می‌کند، او همچنین می‌گوید عصر جمعه به سرای سالمندان برویم و با سالمندان صحبت و شوخی کنیم. نمی‌دانم چرا او این حرف‌ها را در سر راه رفتن‌مان به مسجد می‌زند.

به نظر شما، چرا پدر این سخنان را هنگام رفتن و برگشتن از مسجد می‌زند؟ آیا کارهای خوب دیگری را هم مثل رفتن به سرای سالمندان و ورزش کردن سراغ دارید؟ آن را در کلاس برای دوستانتان بازگو کنید.

با خانواده



آیه‌های ۲۴ و ۲۵ سوره‌ی ابراهیم را همراه با ترجمه‌ی آنها بخوانید.^۱



۱. خانواده‌های محترم می‌توانند با مراجعه به تفاسیر و مطالعه‌ی دقیق آنها، فرزندشان را کمک کنند تا مفاهیم آیه و موضوع درس را بررسی کنند.

معلمان محترم و اولیای گرامی دانش آموزان و صاحب نظران می توانند نظر اصلاحی خود را درباره می مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری